



Happiness Culture and Childhood Experience in Iran Ritual Happiness and Public Sphere

Somaye Karimi ^{*1}

1. Assistant Professor, Department of Social Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

Received: 2020/05/14 | Accepted: 2020/06/27 | Published: 2020/09/22

Abstract

This Article intended to scrutinize the meanings of ritual happiness as one of the momentous concerns and salient parts of happiness culture among Iranian children. In order to elucidate the importance of happiness culture in society, in addition to a review on the meaning of ritual happiness in some particular rituals such as *Gereh Goushu*, *Houmbaba*, *Shah Andazi*, *Sadey*, games and then, two samples of state polices related to Iranian children are considered. This article strongly suggests new Polices of happiness for children in Iran.

Keywords: Ritual of happiness, Public sphere, Children, Happiness culture

Copyright © 2020 Journal of Anthropological Studies. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution- 4.0 International License which permits Share, copy and redistribution of the material in any medium or format or adapt, remix, transform, and build upon the material for any purpose, even commercially.



Karimi S. (2020) Happiness Culture and Childhood Experience in Iran Ritual Happiness and Public Sphere. *Journal of Anthropological Studies*. 3 (3): 243-255.

Corresponding Author: Somaye Karimi, Assistant Professor, Department of Social Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. Email: s.karimmi@gmail.com



فصلنامه مطالعات مردم‌شناختی

شماره شاپا: ۰۰۰۰-۰۰۰۰ | سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

فرهنگ شادمانی و تجربه کودکی در ایران شادمانی آیینی و حوزه عمومی

سمیه کریمی*

۱. عضو هیئت‌علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

دریافت: ۹۹/۰۲/۲۵ | پذیرش: ۹۹/۰۴/۰۷ | انتشار: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

چکیده

در این مقاله، به بررسی مفهوم شادمانی آیینی در ایران به‌عنوان یکی از وجوه فرهنگ شادمانی نزد کودکان ایرانی پرداخته شده و ویژگی فرهنگ یادشده نزد آن‌ها بحث و بررسی شده است. به این منظور نخست ضمن مروری بر مفهوم فرهنگ شادمانی در ادبیات انسان‌شناسی، شادمانی آیینی در آیین‌هایی چون گره‌گشو، هومبابا، شال‌اندازی، سده و آیین‌های گذار به‌عنوان اشکالی کلیدی بررسی و معرفی و سپس دو مورد از فضاهای عمومی یعنی باغ کتاب و نوروژگاه بررسی شده‌اند. نتیجه اینکه شادمانی آیینی در حوزه و فضای عمومی برای کودکان باید براساس سیاست‌گذاری‌های جدید تقویت شود.

واژه‌های کلیدی: شادمانی آیینی، حوزه عمومی، آیین، کودکان، فرهنگ شادمانی

کپی‌رایت © فصلنامه مطالعات مردم‌شناختی: دسترسی آزاد؛ کپی‌برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

کریمی سمیه (۱۳۹۹). فرهنگ شادمانی و تجربه کودکی در ایران - شادمانی آیینی و حوزه عمومی. *مطالعات مردم‌شناختی*. ۳ (۳): ۲۴۳-۲۵۵.



* نویسنده مسئول: سمیه کریمی، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

پست الکترونیک: s.karimmi@gmail.com

مقدمه

یکی از حوزه‌هایی که رشته انسان‌شناسی به آن می‌پردازد، شادمانی و ظواهر گوناگون بیان‌ها و فهم فرهنگی آن در جهان است. در گذشته انسان‌شناسی روان‌شناختی، به‌ویژه در آثار انسان‌شناسانی مانند مارگارتمید و بر پایه مکتب شخصیت به‌دنبال یافتن مدل‌های کلی و ملی شادمانی در جهان نزد کشورهای مختلف بود، اما امروزه این مطالعات بیشتر در کنار حوزه‌های قبل، مانند انسان‌شناسی روان‌شناختی در انسان‌شناسی پزشکی مدنظر قرار گرفته است (Mathews and Izquierdo, 2008). از این نگاه نمی‌توان شادمانی را به چند صورت یا شکلی از بیان خاص محدود کرد و تقلیل داد. امروزه یکی از ویژگی‌های فرهنگ ملی شادمانی است و ارزیابی شهروندان یک کشور را از کیفیت زندگی آنان در درجات مختلف در صورتی مانند سعادت‌مندی، سلامت و سرخوشی (شادمانی) شامل می‌شود. (Van de Vliert, 2012). از نگاه انسان‌شناسان شادی در یک بعد از تعریف خود سطحی فیزیکی و مادی دارد؛ مانند خوردن یک غذای خوشمزه، رانندگی، دراز کشیدن در ساحل، ماساژ و دیگر لذت‌های بدنی (Spitzer, Bernhoft and De Blasi, 2000)، اما سطح دوم از شادی مرحله‌ای مهم و حیاتی از رشد انسان است؛ مانند دستاوردهایی که یک فرد به دست می‌آورد و موفقیت‌هایی که به آن‌ها می‌رسد (Spitzer, Bernhoft and De Blasi, 2000). رسیدن به استقلال و بلوغ، کسب شغل یا مدرک از دانشگاهی معتبر از این‌گونه اشکال شادی هستند و این سطح از شادمانی سطحی بالاتر از سطوح نخست را در بردارد (Spitzer, Bernhoft and De Blasi, 2000). در ایران نیز چرخش گفتمانی طی دهه‌های اخیر توجه به فرهنگ شادمانی و منابع آن را در مرکز سبک زندگی و تجربه زستی مردم ایران قرار داده است (ن.ک: فاضلی، ۱۳۹۳، آ، ۱۳۹۳، ب، ۱۳۹۵).

شادمانی در جوامع متفاوت، صورت‌های مختلفی با بافت‌ها فرهنگی متنوعی را شامل می‌شود (Mathews

and Izquierdo, 2008, P. 3)؛ به همین دلیل از این نگاه شادی برای یک بومی استرالیایی که از مستغرق شدن در روابط اجتماعی و شبکه‌های آن لذت می‌برد با فرزنددی که در هند برای یک ازدواج موفق و تأییدشده در سایه راهنمایی والدین خود گام برمی‌دارد، متفاوت است. (ن.ک: Mathews and Izquierdo, 2008, P. 3). بر این اساس شادمانی در یک شکل خلاصه نمی‌شود، بلکه اشکال و مواردی گوناگون در مکان‌های متفاوت است و از این نگاه متون و منابع گوناگونی را دربردارد (Mathews and Izquierdo, 2008). از این زاویه درک و شناخت نظام‌های شادمانی، نیاز مبرم هر جامعه‌ای است، اما باید دانست که چگونه می‌توان چنین نظام‌هایی را شناسایی کرد. شاید بتوان معیار درک چگونگی شادمانی را از این سؤالات ساده آغاز کرد که احساس یا مصداق شادمانی در زندگی هر فرد چیست؟ چه عواملی به زندگی یک فرد شادمانی می‌بخشد؟ یک فرد چگونه احساس شادی می‌کند؟ رضایت او از زندگی‌اش چگونه است؟ (ن.ک: Rojas, 2016, P. 7). بنا بر مطالعاتی که در کشورهایمانند ژاپن و آلمان صورت گرفته است، آیین‌های شادمانی در مرکز مطالعات مربوط به شادی، به‌ویژه درباره کودکان مطرح می‌شود. معیارهای عینی و واقعی مانند خوردن، نیایش، دادن و گرفتن هدیه، یادآوری خاطره و با هم‌بودن را می‌توان تجلیات عینی فرهنگ شادمانی در شادمانی آیینی دانست (Rojas, 2016, P. 7)؛ بنابراین یکی از مظاهر فرهنگ شادمانی که بعدی عمومی دارد، آیین‌های شادمانی یا به عبارت دیگر شادمانی آیینی است (Rojas, 2016, P. 156). این آیین‌ها سلیقه‌ای وحدت‌یافته خلق کرده، ابعاد نمایشی دارد و اجتماع را شکل می‌بخشد (Rojas, 2016, P. 156). از دیگر ظواهر شادمانی و فرهنگ آن ورزش است که به‌ویژه درباره کودکان و نوجوانان مطرح می‌شود (Zevnik, 2014, P. 121). از سوی دیگر درآمد و سلامت نیز از منابع عمده شادمانی تعریف شده است (Graham, 2012).

کودکان هستند (رحیمی و کریمی، ۱۳۸۷). چنانچه کودک با فرهنگ شادمانی از آغاز زندگی خود روبه‌رو شود، این فرصت را می‌یابد تا آن را به عادت‌های اجتماعی تبدیل کند؛ در نتیجه این امر بر سبک زندگی او در بزرگسالی و رویکرد جهان‌شناختی‌اش در نگاه امیدوارانه به زندگی نقشی اساسی دارد (ن.ک: حسن‌زاده، ۱۳۹۶؛ کریمی، ۱۳۹۷). عادت، پیوندی عمیق با صورت‌هایی از فرهنگ دارد که بعدی درونی به ارزش‌ها می‌بخشد (ن.ک: Karimi and Schröter, 2014; Hassanzadeh, 2014). در این چشم‌انداز، آیین‌ها و قصه‌ها از مهم‌ترین عناصری هستند که می‌توانند صورتی از فرهنگ و میراث آن را نزد افراد جامعه درونی کنند (ن.ک: حسن‌زاده، ۱۳۹۵)، اما بستر اصلی چنین کارکردی از آیین حوزه عمومی است (حسن‌زاده، ۱۳۹۵). در واقع آیین‌ها و قصه‌هایی می‌توانند تأثیری درونی بر کودکان داشته و بر جهان‌بینی و نگرش آنان تأثیرگذار باشند که کودک آنها را در حوزه عمومی تجربه کند. (حسن‌زاده، ۱۳۹۵). اکنون این پرسش کلیدی مطرح می‌شود که کودک در ایران تا چه حد از شادمانی و فرهنگ آن در سطح جامعه و بسترهای اجتماعی حوزه عمومی متأثر است. در ایران با توجه به تأکید زیادی که از سوی جامعه بر اهمیت تعریف بهنجار از شادمانی وجود دارد، توجه به آیین‌های شادی یا همان شادمانی آیینی بیشتر می‌شود (ن.ک: نعمت طاووسی، ۱۳۹۵) این تلاش می‌تواند پاسخی به بحران تعریف فرهنگ شادمانی در ایران تلقی شود که راه را برای ظهور شادی، به‌ویژه در نسل جدید یعنی کودکان و نوجوانان هموار می‌کند.

آیین‌های کودکان شادمانی در ایران

مروری بر فرهنگ‌های مختلف ما را با آیین‌های کودکان شادمانی در جهان آشنا می‌کند و نشان می‌دهد

یکی از مسائلی که باید مدنظر قرار داد و با رویکردهای علمی آن را بررسی کرد، فرهنگ شادمانی و تجربه کودکی از آن در جامعه امروز ایران است. با توجه به مطالعات انسان‌شناسی، شکاف‌های موجود در زمینه شادمانی یکی از مسائلی است که بر درک عمومی آن اثرگذار است. چنانچه منابع شادمانی به شکلی برابر تعریف نشوند و شادی فردی در تضاد با شادمانی ملی باشد، یا فاصله‌های قومی، جنسی و سنی در این زمینه وجود داشته باشد، باید از نابرابری در فرهنگ شادمانی سخن گفت (Graham, 2012)؛ به این معنا که برای مثال در یک جامعه مفروض می‌توان بزرگسالان یا مردانی شاد، اما کودکان یا زنانی غمگین را مشاهده کرد. در این وضعیت می‌توان از مسئله نابرابری در توزیع منابع شادمانی سخن گفت (Graham, 2012). شادمانی روایتی ملی محسوب می‌شود که نیازمند توجه به میراث شادمانی در ایران است. با توجه به اینکه یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاری دولتی، تعریفی بهنجار از شادمانی است، یکی از راه‌های این تعریف، توجه به میراث فرهنگی ایران به‌ویژه شادمانی آیینی است. در این مقاله اهمیت تلاش در این باره مطرح شده است.

فرهنگ شادمانی و تجربه کودکی از شادی

تجربه شادی برای کودکان اهمیت فراوانی دارد (حسن‌زاده، ۱۳۹۷)؛ به‌گونه‌ای که می‌توان شادمانی را یکی از ویژگی‌های فرهنگ کودکان برشمرد (حسن‌زاده، ۱۳۹۷؛ ن.ک: مولیتور و چین هسو، ۱۳۹۴). پژوهشگران گوناگون در تحلیل فرهنگ کودکان شادمانی را یکی از ویژگی‌های مهم این مقوله یاد کرده‌اند (مولیتور و چین هسو، ۱۳۹۴). این ویژگی سبب می‌شود تا ما در ایران جایگاه فرهنگ شادمانی را درباره آنچه فرهنگ کودکی در ایران نامیده می‌شود، بررسی کنیم. در واقع اگر قرار باشد به تعریف فرهنگ شادمانی بپردازیم، یکی از مهم‌ترین مخاطبان آن



gereh gesu	گره‌گشو
saret-o besu	سرت بشو
gereh gesu	گره‌گشو...
do kalle su	دو کله شو
si farda su	سی فرداشو

کودکان، تحفه‌های اهدایی اهل خانه را در کیسه یا پلاستیکی که با خود دارند، قرار می‌دهند. اگر اهل خانه به کودکان چیزی ندهند، کودکان این‌گونه شعر می‌خوانند:

xuney-e geda	خونۀ گدا
hici nada	هیچی ندا

آیین «گره‌گشا» در بوشهر در یازدهمین شب ماه رمضان انجام می‌شود و اهل خانه‌هایی که کودکان به آنان رجوع می‌کنند، به نیت و خواستۀ برآورده شدن نذر خود آجیلی را که پیش‌تر تهیه کرده‌اند و گره‌گشا نام دارد، به کودکان می‌دهند (ن.ک: وکیلان، ۱۳۸۶). یکی از رسوم دیگر که در ماه رمضان کودکان و نوجوانان کرمان و سیرجان آن را انجام می‌دهند، الله رمضان است که در کاشان به آن «هومبابایی» می‌گویند؛ البته می‌توان گفت این آیین نیز صورت دیگری از آیین گره‌گشو است. نوجوانان شب‌های ماه رمضان بر درگاه منازل می‌روند و دسته‌جمعی با خواندن اشعاری مخصوص، پول یا خوردنی طلب می‌کنند. ترانه و اشعار آنان در کرمان به صورت زیر است:

آیین‌های مذکور تنها مختص کشوری خاص نیست (Mishra, 2016, P. 26). این آیین‌ها مورد توجه و بررسی انسان‌شناسان دنیا بوده است؛ برای مثال می‌توان به بررسی نقش کودکان در آیین هالووین اشاره کرد (ترنر، ۱۹۸۲). در ایران نیز آیین‌های کودکان × شادمانی در نواحی و حوزه‌های فرهنگی مختلف قابل مشاهده است. همچنین در آیین‌های اسلامی، آیین‌هایی با ریشه‌های پیش‌اسلامی و گذار می‌توان رد پای آنها را مشاهده کرد. در این مقاله نیز آیین‌های شادمانی در سه چشم‌انداز مذکور با طرح مثال‌ها و نمونه‌هایی بررسی شده است. این آیین‌ها را می‌توان اسلامی دانست که پیش‌تر در اعیاد دینی وجود داشته‌اند. آیین گره‌گشو و هومبابا از آیین‌های مذکورند که در ماه شعبان و رمضان برپا می‌شوند. اگرچه این آیین‌ها مخصوص بزرگسالان نیست، به تعبیر Goos خرده‌آیین‌هایی دارد که به کودکان و نوجوانان اختصاص دارد و آنها بازیگران اصلی این آیین هستند (2019, P. 299). با بررسی این آیین‌های شادمانی که ریشه‌ای دینی دارند، می‌توان گره‌گشو و هومبابا را دو نمونه مهم برشمرد (وکیلان، ۱۳۸۶؛ حسن‌زاده، ۱۳۹۵)

گره‌گشو یکی از آیین‌های ماه رمضان در نواحی مختلف استان بوشهر است که در شب پانزدهم این ماه پس از افطار از سوی کودکانی که کمتر از ۱۴ سال دارند، برگزار می‌شود. رسم یادشده در زبان محلی گری‌گشو (Gerey Gusu) نام دارد. در این رسم کودکان به خانۀ کسانی که صاحب فرزند شده‌اند و اغلب نخستین فرزند آنها به دنیا آمده است می‌روند و با خواندن اشعاری، تنقلاتی مانند نقل، بنک (Bonak)، کلخون (Kolxun)، دونگ (Dong)، برنجک (Berenjak) و... از آنان طلب می‌کنند. کودکان شعرهایی از این‌گونه می‌خوانند:

سلام کردم که سلامت باشین

بله بله بله



شیرعلی شیر شیرعلی
این در خونه که رو به روزه
شیرعلی شیر شیرعلی
ما از آن بالای بالا آمدیم

زیر علم سبز محمد باشین
یا صاحب شیران علی
صاحبخانه که مخمل دوزه
یا صاحب شیران علی
ما از او صندوق اعلام اومدیم

و در سیرجان می خوانند:

شیخ شیده الله عباس خزون
گو و گوساله به قربونش کنید
خروس یک ساله به قربونش کنید

الله رمضون
رمضون اومده خوش بومش کنید
گو و گوساله که دستت نرسید

این رسم نیز در کاشان هومبابایی نام دارد. جوانان محله در گروه‌های چهار تا بیست نفری از شب اول رمضان تا شب یازدهم که به آن «شب نیم» می‌گویند، پس از افطار در محل معینی جمع می‌شوند. سپس از بین خود یک نفر را که خوش صدا باشد به‌عنوان خواننده اشعار و یک نفر را هم به‌عنوان صندوقدار انتخاب می‌کنند که وظیفه جمع‌آوری پول و خوراکی‌ها را به عهده دارد. فرد خواننده اشعار زیر را می‌خواند:

سپس صاحبخانه مقداری خوراکی چون خرما و انجیر و... یا پول به آنها می‌دهد. بچه‌ها نیز آنها را داخل غربال جمع کرده و با یکدیگر تقسیم می‌کنند. بعضی‌ها نیز به‌سوی مسجدها آب می‌روند و سپس فرار می‌کنند. در برخی از خانه‌ها نیز به بچه‌ها جوابی نمی‌دهند که در این صورت بچه‌ها با صدای بلند می‌خوانند:

یا شو این جوابی یا کاسه آبی

امشب شب نیمه است که ما مهمانیم - (بچه‌ها جواب می‌دادند) هومبابا! هومبابا

از ما حرجی نیست که ما طفلانیم - هومبابا هومبابا

بشقاب را پر از کلوچه کن - هومبابا هومبابا

بردار بیار به دامن ماها کن - هومبابا هومبابا

بعد از خواندن ابیات یادشده خواننده شروع می‌کند به دعاکردن صاحب‌خانه و بچه‌ها آمین می‌گویند:

- حق عمرش بده - آمین؛

- برکتش بده - آمین؛

- سروری‌اش بده - آمین؛

- تاج سرش بده - آمین.



بدهد. گروه بازیگر در خانه‌هایی که به آنها چیزی نمی‌دادند به کوزه آبی راضی می‌شوند و می‌گویند:

یه جوابی یک کوزه آبی!

برخی از صاحب‌خانه‌ها به روی کودکان آب می‌پاشیدند و بچه‌ها ناراحت شده و با صدای بلند می‌گفتند:

صاحب خورش ریق افتاده
صاحب خورش بزغاله

صدای شمشیر میاد
شمر پدر سوخته میاد

این مراسم در بیرجند توسط بچه‌ها، پس از افطار با گشتن در کوچه‌ها و سر زدن به خانه‌ها و با خواندن شعر رمزو (ramezu) اجرا می‌شود. صاحب‌خانه نیز به آنها پول یا نخود و کشمش و شیرینی و... می‌دهد (حسن‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹). این اشعار عبارت‌اند از:

ramezo amade xosname xoda
do pesar dare ke now damade
in sera ez kesi ke ruve bade
in sera az kesi ke rube ruze
do doxtar dare ke maxmal duze
ramezo! in sera ez kist ke xes xes miayad
seday-e bosqab-e kesmes miayad

هم متجلی می‌شود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به شال‌اندازی و سده اشاره داشت. آیین شال‌اندازی با

بدین ترتیب آنها آن قدر شعر می‌خوانند تا جوابی بشنوند؛ یعنی صاحب‌خانه به آنها پول یا مقداری خوراکی

یه جوابی، یه ثوابی

این خونه توش تیغ افتاده
این خونه توش زغاله

و با تکرار این شعر از آن خانه دور می‌شدند:

از آسمان شیر میاد
از آسمان غره میاد

این رسم گاه در نیمه شعبان انجام می‌شد و پس از آنکه بچه‌ها به تمام خانه‌ها سر می‌زدند، صندوقدار چیزهای جمع‌شده را میان بچه‌ها به‌طور مساوی تقسیم می‌کرد (حسن‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹).

رمزو آمده خوش‌نام خدا
دو پسر داره که نوداماده
این سرا از کسی که رو باده
این سرا از کسی که رو بر روزه
دو دختر داره که مخمل‌دوزه
رمزو این سرا از کیست که خش‌خش میاد
صدای بشقاب کشمش میاد

اما آیین‌های شادمانی کودکان و شادی‌های آیینی کودکانه در آیین‌هایی با ریشه پیش از اسلام مانند نوروز

نام‌های مختلف در نقاط مختلف ایران قابل مشاهده است. معمولاً یک هفته پیش از نوروز شال اندازی می‌شد که جوانان یک سر شال کمر خود را درون خانه می‌انداختند و صاحب‌خانه معمولاً آجیل و شیرینی و نیز پول خرد در آن می‌ریخت و گره می‌زد و جوان شال خود را می‌بست و می‌رفت و در آخر شب آجیل‌ها را میان خانواده‌های فقیر و مستمند پخش می‌کردند (حسن‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹)؛ البته در کنار این آیین باید از چهارشنبه‌سوری یاد کرد که همواره آیینی شاد و پر از هیجان برای ایرانیان بوده است که گاه استفاده از آتش در آن شکلی خطرناک هم به خود می‌گرفت. در کتاب تاریخ بخارا نیز از آتش‌سوزی بازار این شهر در شب سوری حکایت شده است (نرشخی، ۱۳۸۷). در گزارش‌های جعفر شهری هم می‌توان نخستین استفاده‌ها از مواد آتش را که در کوزه قرار گرفته، آتش زده و پرتاب می‌شد بیان کرد. این آیین نیز از جمله آیین‌های شادمانی در میان کودکان و نوجوانان ایران به شمار می‌آید. به این ترتیب در آیین‌های ملی هم مانند شال درگنی یا همان شال‌اندازی می‌توان حضور کودکان و نوجوانان را به شکلی گسترده و کلیدی مشاهده کرد. در حوزه فرهنگ خراسان در آیین سده در دهم بهمن‌ماه، ابتدا کودکان و نوجوانان گیاهان خشک را از بیابان و صحرا جمع کرده، سپس در میدان آبادی کپه می‌کردند و بعد آن را آتش می‌زدند؛ درحالی‌که وقتی دور آتش حلقه‌زده و می‌چرخیدند، شعرهایی را زمزمه می‌کردند. آنان سپس به خانه اهالی روستا رفته و زن خانه از آنها با شیرینی پذیرایی می‌کرد. (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). فرهنگ شادمانی کودکان با چرخش فصل‌ها نیز ارتباط نزدیکی دارد؛ برای مثال در شمال ایران وقتی تمشک از راه می‌رسید، کودکان، نوجوانان و جوانان به تمشک‌چینی می‌رفتند و تمشک‌های چیده را یا برای خانه می‌بردند یا می‌فروختند. آنها شعرهایی از این دست می‌خواندند:

پوخوم پوخوم آقا زن
نمک گولا شقا زن
شال پلا برسی
امی پلا نرسی
شاخه تر تمشک رسیده زن بابا
شاخه تر تمشک عرق کرده و ما پوستش را کنده و
به آن نمک زده‌ایم
پلو شغال رسیده
اما پلو ما هنوز نرسیده! (حسن‌زاده، ۱۳۸۱).

گونه سوم از شادمانی‌های آیینی، آیین‌های گذارست. از تجربه‌های مهم آیینی دیگر برای کودکان ایرانی آیین ختنه‌سوران است که به صورت جشنی مفصل برگزار می‌شد. در این آیین که به تعریفی هنجاری از شادمانی نزدیک است (زیرا در آن کودک از یک مرحله بلوغ جسمانی به مرحله دیگر می‌رفت) (اسدیان، ۱۳۸۴)، در مجلس مهمانی از مهمانان پذیرایی و هدایایی به کودک داده می‌شد (اسدیان، ۱۳۸۴)؛ البته در میان کودکان زرتشتی آیین‌هایی مانند کستی‌بستن نیز همین جایگاه را دارد (مزدایور، ۱۳۹۰). در بحران‌های طبیعی مانند خشک‌سالی یا ترسالی نیز کودکان نقشی مهم در آیین ایفا می‌کردند و در آیین‌هایی مانند کتراگیشه یا چولی‌قزک و هفت‌کچلان به فضای عمومی شعر می‌خواندند و عروسک می‌گرداندند. این امر به دلیل اعتقاد به صفای باطن و معصومیت کودکان که خواست آنان مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد، صورت می‌گرفت (حسن‌زاده، ۱۳۷۸). با وجود اینکه ایام یادشده زمانی سخت تلقی می‌شد، کودکان آیین‌هایی را با مضامین شاد برگزار می‌کردند. در آیین کتراگیشه کودکان گیلک ملاقه‌ای چوبی را به صورت عروسک درآورده و در کوچه‌ها و محله‌های روستا می‌گرداندند و این شعر را برای آمدن باران می‌خواندند:

عالم‌ا خوشکی بیگرفته ای خودا

یا کلام الله یا قوران

کترا گیشه بوکودیم ای خودا

فردا بار باران

در آیین چولی‌قزک هم کودکان خراسانی عروسکی را درست می‌کردند و در کوچه‌ها و محله‌های روستا این شعر را می‌خواندند:

چولی قزک بارون کن بارون بی‌پایون کن

آیین‌های شادمانی در رخدادهایی مانند یلدا و چهارشنبه‌سوری به قصه‌گویی و میراث آن نیز پیوند می‌خورد. در این شادمانی‌های آیینی از قصه‌هایی مانند عمو نوروز، آجیل چهارشنبه‌سوری، چلهٔ کوچک و بزرگ و ننه سرما و غیره سخن گفته می‌شود (انجوی شیرازی، ۱۳۹۸). آیین‌های گذاری را که برای کودکان برگزار می‌شود، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: آیین‌هایی که برای نوزادان برگزار می‌شود و بزرگ‌سالان نقش اصلی را در آنها دارند و آیین‌هایی که برای کودکان برگزار می‌شود که در آنها نقش کودکان کلیدی‌تر است (کریمی و رخشا، ۱۳۹۶). نکتهٔ مهم دربارهٔ آیین‌های شادمانی کودکان، ارتباط آن با فرهنگ بزرگ‌سالان است که شکاف فرهنگی میان نسل گذشته و حال را از میان برمی‌دارد؛ بنابراین می‌توان وجود آیین‌هایی زنده و شکوفار را یکی از راه‌های حفظ ارتباط کودکان با میراث فرهنگی خود دانست.

بازی، عنصر کلیدی فرهنگ شادمانی

بازی و ورزش نیز آیینی از فرهنگ تلقی می‌شود (Bromberger, 1995). بازی و ورزش نیز از گذشته تاکنون یکی از عناصر کلیدی فرهنگ شادمانی نزد کودکان ایرانی بوده است. بازی را می‌توان مشخصهٔ

فرهنگ کودکان و جوانان شمرد که به همین دلیل جایگاهی بسیار برجسته در تعریف فرهنگ شادمانی نزد کودکان دارد. برخی محققان ایرانی مانند قزل‌ایاق مطالعه‌ای مبسوط در زمینهٔ فرهنگ بازی‌های کودکان و نوجوانان ایرانی انجام داده‌اند (هاروپ الین، ۲۰۱۱، ص. ۱۶۳). بلوکباشی نیز در این باره کتابی نوشته است (ن.ک: بلوکباشی، ۱۳۸۶). با این حال بخش مهمی از بازی‌هایی که در محیط بیرون از خانه انجام می‌شد، مانند هفت‌سنگ، گرگم به هوا و قایم‌موشک و حتی گل‌کوچیک امروز به دلیل تغییر شکل بافت شهرها و روستاهای ایران دیگر رونق سابق خود را ندارد و کودکان عملاً به فضای مجازی پناه برده‌اند. در واقع می‌توان گفت فرهنگ بازی کودکان و نوجوانان ایرانی تغییر کرده است. امروزه در ساختار شهری تهران و بیشتر شهرهای بزرگ دیگر نیز محلی بودن و همسایگی اعتبار و جایگاه گذشته را ندارد؛ برای مثال تیم‌های فوتبالی که پایهٔ محلی داشته، شکل نگرفته‌اند و کاپ‌های محلاتی بسیار کمتر برگزار می‌شوند. وجود ساختمان‌های بلند که به جای خانه‌های تک‌طبقه با حیاط‌های باز قرار گرفته‌اند دلیل دیگر افول بازی‌هایی از این دست است؛ به همین دلیل تجربهٔ گروه همسالان که به‌ویژه در بازی خود را نشان می‌دهد، کاهش یافته و بازی‌های اینترنتی و کامپیوتری تجربهٔ فضای واقعی را به تجربهٔ فضای مجازی تبدیل کرده است (حسن‌زاده، ۱۳۹۶).

شادمانی ترجمه‌ای یا تألیفی در باغ کتاب

باغ کتاب از مکان‌های نوسازی است که به‌ویژه در آن می‌توان فضاهایی را مخصوص کودکان و نوجوانان مشاهده کرد. وجود یک مرکز بازی، کتاب‌فروشی و

هر دو حوزه شهر و روستا، به احیای فرهنگ شادمانی و آیین‌های آن توجه داشته‌اند. فعالیت‌هایی مانند احیای آیین‌های جشن خرمن، جشن سلام جشن تیرماه سیزده و غیره (ن.ک: کریمی، ۱۳۹۷) از سوی مؤسساتی مانند مؤسسه پارپیرار، موزه عروسک‌های ملل، ایکوم و غیره نمونه‌هایی قابل توجه از این تلاش‌ها به شمار می‌آیند. در کنار تلاش‌های یادشده طی چند سال اخیر سازمان (وزارتخانه) میراث فرهنگی و شهرداری‌ها آغازگر جریانی به نام نوروزگاه‌ها بوده‌اند که به‌ظاهر مفهومی ملهم از شکل اجرای آیین در کشور تاجیکستان است. (ن.ک: روزی احمد، ۱۳۸۳)؛ البته مفهوم بدیل برای آنچه در تاجیکستان به کار می‌رود، بهارگاه در شرق ایران (سیستان و بلوچستان و کرمان) است که با توجه به دلالت زمانی و مکانی آن می‌تواند در نظر گرفته شود. در کشور تاجیکستان اجرای آیین‌های نوروزی به‌شکلی قوی با حوزه عمومی و محیط بیرون از خانه پیوند دارد و در بازتعریف فرهنگ شادمانی طی چند سال اخیر در ایران توجه به این صورت از فرهنگ آیین‌های نوروزی جلب شده است.

تجربه نوروز ۱۳۹۸ که در خیابان‌هایی مانند بلوار کشاورز و خیابان سی تیر و میدان مشق در پایتخت قابل مشاهده بود، ما را با حضور پرنشاط و گسترده مردم و به‌ویژه کودکان و نوجوانان روبه‌رو کرد. کودکان در اینجا می‌توانستند با عمونوروز، حاجی فیروز، دلک‌ها، ننه سرما و غیره آشنا شوند. این تجربه نه‌تنها کودک را با عناصر کلیدی شادمانی در فرهنگ خود به‌شکلی مستقیم آشنا می‌کند، بلکه سبب تقویت رابطه کودک، فضای شهری و هویت او می‌شود. کودک به حوزه عمومی پیوند می‌خورد. در اینجا شهر با خاطره آیینی به یاد خواهد آمد، یا شهر از خاطره‌ای آیینی برخوردار می‌شود (میراحسان، ۱۳۸۳).

رستوران مخصوص بچه‌ها از جمله مکان‌های مخصوص کودکان در این مجموعه است. در این مکان می‌توان مجسمه‌های مختلفی از شخصیت‌های محبوب کودکان را مشاهده کرد. در میان این مجسمه‌ها، جز دو مجسمه که یکی داستان چوپان دروغ‌گو را روایت می‌کند و دیگری حکایت و قصه بزب قندی است، بقیه مجسمه‌ها به فرهنگ روایی سایر کشورها تعلق دارد. داستان زورو، داستان بابا لنگ‌دراز، سندباد و غیره همگی عمده پیکره‌ها و مجسمه‌هایی را شامل می‌شوند که به فرهنگ روایی ایران تعلق ندارند. این مسئله سبب می‌شود تا معضلی در فضاهای فرهنگی مربوط به کودکان به وجود آید که می‌توان آن را شادمانی ترجمه‌ای دانست؛ البته در اینجا مقصود نفی ارزش‌های میان فرهنگی و اهمیت ترجمه تجربه‌های روایی از یک فرهنگ و زبان به فرهنگ و زبان دیگر نیست، بلکه منظور نبود تجربه‌های اصیل شادمانی به کمک بن‌مایه‌های فرهنگ بومی و تجربه زیستی ایرانیان است؛ برای مثال می‌توان پرسید جای قصه‌های مجید یا کلاه‌قرمزی و مدرسه موش‌ها در این باغ‌موزه کجاست. این معضل از سوی دیگر به دلیل بی‌توجهی به سخن‌گفتن با کودکان و کشف روایت‌های بومی مورد علاقه آنان است. همچنین به شکلی دیگر خود را در بازنمایی بزرگ‌سالانه از کودکان و دنیای آنان نشان می‌دهد که برای مثال در برنامه‌هایی مانند جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی قابل مشاهده است که به نظر بزرگ‌سالان در آن از نقش و جایگاهی مهم‌تر برخوردارند.

نوروزگاه، تجربه‌ای موفق از فرهنگ شادمانی

تعریف هنجاری از شادمانی و فرهنگ آن به شکلی گسترده از فضا و حوزه عمومی تأثیر می‌پذیرد. برخی فعالان فرهنگی و مدنی طی سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا رابطه میان حوزه عمومی و آیین‌ها را در گستره فرهنگ شادمانی برجسته کنند. این فعالان در

نتیجه‌گیری

یکی از وظایف انسان‌شناسان ایرانی شناخت ویژگی‌ها و خصیصه‌های فرهنگ شادمانی کودکان در ایران و نزد خرده‌فرهنگ‌های مختلف است. با بررسی فرهنگ‌های کودکان در ایران می‌توان گفت عناصری مانند شادمانی‌های آیینی، بازی و ورزش، فضای بیرونی، دوستی و هویت همسالان، همگرایی سنی، شوخی و دست‌انداختن بزرگ‌سالان از جمله ویژگی‌های مشترک فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های کودکان ایرانی است. به نظر می‌رسد نوروزگاه ۱۳۹۸ را باید یکی از موفق‌ترین تجربه‌های شادمانی در چند دهه اخیر و گامی مهم برای افزایش سرمایه اجتماعی در ایران دانست. تقویت نوروزگاه راهی مهم در پیوند کودکان و نوجوانان ایرانی با فرهنگ و هویت ملی و محلی آنان است و تجربه‌ای مستقیم خواهد بود که تأثیر آن بسیار بیشتر از تجربه غیرمستقیم و رسانه‌ای از شادمانی است. به کمک چنین برنامه‌هایی کودکان می‌توانند تجربه‌ای مستقیم از فرهنگ شادمانی در حوزه و فضای عمومی داشته باشند و آن را به عادت خلاق در زندگی خود تبدیل کنند. تجربه مستقیم شادمانی، می‌تواند فرهنگ ایرانی را در کودکان درونی کند.

منابع مالی

منابع مالی این پژوهش توسط نویسنده تامین شده است.

تعارض در منافع

نویسنده تعارضی در منافع گزارش نکرده است.

منابع

اسدیان، محمد (۱۳۸۴). *آیین‌های گذر در ایران و بررسی تطبیقی آیین‌های ایرانی در حوزه‌های فرهنگی و*

زوال معماری اصیل و نقش جبران‌کننده

آیین‌های شادمانی در ایران: کودکان بی‌خاطره

به نظر می‌رسد در دهه‌های اخیر با جریان مخربی به نام بسازبفروش روبه‌رو هستیم که خاطره شهر را از میان برده است. (ن.ک: میراحسان، ۱۳۸۳؛ کریمی و رخشا، ۱۳۹۶). بخش مهمی از معماری اصیل ایرانی به محاق رفته و خیابان‌ها و کوچه‌ها و محله‌های کودکی ما ناپدید شده‌اند. با این توصیف، تعلق به فضا کاهش می‌یابد و رابطه فضا و هویت قطع می‌شود. در چنین شرایطی که فضای شهری به شدت دستخوش تغییر شده و خاطره‌ای در آن نمی‌ماند، آیین می‌تواند نقشی جبران‌کننده داشته باشد. این سیاست آیینی «جبران آیینی» نام دارد (ن.ک: Hassanzadeh, 2014). آیین در چشم‌انداز فرهنگ شادمانی می‌تواند رابطه هویت و فضای شهری و روستایی را تقویت کند و حتی نبود فضاهای اصیل را تا حدی از بین ببرد. در واقع در این چشم‌انداز آیین است که برای گروه‌های مختلف از جمله کودکان و نوجوانان خاطره قومی و شهری می‌سازد (حسن‌زاده، ۱۳۹۵). به این ترتیب آیین و میراث روایی ایران می‌تواند رابطه میان هویت ملی و فضای روستایی و شهری را مستحکم کنند. در این قالب است که برنامه‌هایی مانند نوروزگاه باید گامی در استحکام هویت ملی کودکان ایرانی تلقی شود. انکار فرهنگ شادمانی در تعریف هویت ملی و نیاز به تقویت آن یکی از مسائل موجود در ایران است که تأملی جدی را می‌طلبد. مشکل دیگر جامعه امروز جایگزین شدن تجربه‌های غیرمستقیم با تجربه‌های مستقیم است که این امر درباره فرهنگ شادمانی بیش از پیش صدق می‌کند (حسن‌زاده، ۱۳۹۵). تجربه کودکان ما از آیین و قصه، تجربه‌ای غیرمستقیم و رسانه‌ای یا تلویزیونی شده است که خود رابطه آن را با هویت و فرهنگ ملی و محلی سطحی می‌کند. اتصال هویت و فضا می‌تواند حتی نمایشی از تاریخ فرهنگ شادمانی را با تقویت هویت محله‌ای دربرگیرد (کریمی و رخشا، ۱۳۹۶).

- جغرافیایی. تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۹۸). جشن‌ها، آداب و معتقدات زمستان. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۶). بازی‌های کهن در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حسن‌زاده علیرضا (۱۳۹۷). نوروز به‌مثابه روایت. نشریه پارپیرار، ۱۰-۱۷.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۷۸). کودک پیشاهنگ خیر. گلچرخ. ۲۱، ۵۸-۵۲.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۹۵). رمضان در بوشهر. در اباختر، ۴۹۹-۴۹۱.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۹۵). کودکان و جهان افسانه. تهران: افکار.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۹۶). تأملی بر فضا و جرم: جهت‌گیری فضای عمومی، خصوصی و مجازی در ایران. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۱۰)، ۲۶۲-۳۱۲.
- حسن‌زاده، علیرضا و دیگران (۱۳۹۹). فرهنگ گاه‌شماری آیین‌های ایرانی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- رحیمی، بهرام و کریمی، سمیه (۱۳۸۷). سیب‌های کابل شیرین است. تهران: افکار.
- روزی احمد (۱۳۸۳). نوروز در ورارودان. به کوشش نادر کریمیان سردشتی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). کافی‌شاپ و زندگی شهری. تهران: تیسرا.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). در حوالی همین کوجه‌ها (گفت‌وگوهایی در زمینه فرهنگ ایران امروز). تهران: علم.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). فرهنگ و شهر: چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری. تهران: تیسرا.
- کریمی، سمیه (۱۳۹۷). نوروز، فرهنگ شادمانی و تجربه کودکی. نشریه پارپیرار، ۱۸-۲۱.
- کریمی، سمیه و رخشا، معصومه (۱۳۹۶). باورهای آیینی حفظ نوزاد در ایران با تمرکز بر حوزه‌های فرهنگی گیلان، لرستان و بوشهر. مجله مطالعات تاریخ پزشکی دانشگاه شیراز، ۶(۱)، ۹۱-۹۸.
- مزدپور، کتایون (۱۳۹۰). زرتشتیان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مولیتور، آدریانا و چین هسو، هوی (۱۳۹۴). رشد کودک در فرهنگ‌های مختلف. در کنت دی کیت روان‌شناسی میان فرهنگی. مترجمان: سید علی حسینی المدنی، علی باصری و انسیه بابایی، تهران: فراروان.
- میراحسان، احمد (۱۳۸۳). شهر خاطره (گزارش پژوهشی). تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفران (۱۳۸۷). تاریخ بخارا. تهران: توس.
- نعمت طاووسی، مریم (۱۳۹۵). مجموعه مقالات همایش ملی میراث روایی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- وکیلان، احمد (۱۳۸۶). رمضان در فرهنگ مردم. تهران: انتشارات صداوسیما.

References

Bromberger, C. (1995). Football as world-view and as ritual. *French Cultural Studies*, 6(18), 293-311.

Goos, Gunivortus. 2019. *Germanic Magic: Runes: Their History, Mythology and Use in Modern Magical Practice*, Norderstedt: BoD – Books on Demand,



- Graham, C. (2012). *Happiness around the world: The paradox of happy peasants and miserable millionaires*. Oxford University Press.
- Harrop Allin, S. 2011. "Playing with Barbie" in Lucy Green (ed). *Learning, Teaching, and Musical Identity: Voices Across Cultures*, Bloomington: Indiana University Press. Pp. 156-169
- Hassanzadeh, Alireza. 2014. *Rituality and Normativity*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Karimi, S., & Schröter, S. (2014). *Ethnicity and normativity: an anthropological study of normativity in everyday life of Gilak people in north of Iran*. Amsterdam University Press.
- Mathews, G., & Izquierdo, C. (Eds.). (2008). *Pursuits of happiness: Well-being in anthropological perspective*. Berghahn books.
- Mishra, Ashok. 2019. *Hinduism - Ritual, Reason and Beyond*, Mumbai: StoryMirror Infotech Pvt Ltd.
- Rojas, M. (2016). Happiness, Research, and Latin America. In *Handbook of happiness research in Latin America* (pp. 1-13). Springer, Dordrecht. Pp. 1-16.
- Spitzer, R. J., Bernhoft, R. A., & De Blasi, C. E. (2000). *Healing the culture: A commonsense philosophy of happiness, freedom, and the life issues*. Ignatius Press.
- Van de Vliert, E. (2012). Climate, cash, and culturally embedded happiness. In *Happiness Across Cultures* (pp. 399-416). Springer, Dordrecht.
- Victor Turner, From Ritual to Theatre (New York: Performing Arts Journal, 1982), 28, 53-56,
- Zevnik, L. (2014). *Critical perspectives in happiness research: The birth of modern happiness*. Springer Science & Business Media.